

انواع خانواده ها از نظر تربیت

به طور خلاصه از نظر نحوه تربیت کودکان و بطور کلی نحوه اداره سیستم خانواده

می توان ۴ نوع خانواده را مشخص کنیم که عبارتند از

الف - خانواده خشک و سخت گیر (والدین سخت گیر و مستبد)

ب - خانواده سهل گیر و آسان گیر

ج - خانواده گسسته (خانواده پریشان)

د - خانواده دمکرات (خانواده سالم)

به علت مهم و مبسوط بودن این مبحث ، هر یک از این ۴ دسته خانواده را در

یادداشتی جداگانه شرح خواهیم داد

الف - خانواده خشک و سخت گیر

۱ - پدر و مادر ها با بچه ها همان طور رفتار می کنند که والدین خودشان رفتار

کرده اند.

۲ - تصمیم گیری با یکی از والدین خصوصا پدر انجام می گیرد. معمولا پدر

خانواده حاکم بر رفتار و اعمال فرزندان است و هیچ یک از اعضای خانواده اجازه اظهار

نظر ندارند

۳ - والدین چنان رفتار می کنند که فرزندان می آموزند حق هیچ گونه ابراز عقیده ای

را - حتی در مواردی که می تواند مانع از بروز بعضی مشکلات برای خانواده گردد -

ندارند.

۴ - اگر فرزندان از فرمان والدین اطاعت نکنند ، والدین آنان ناراحت ، خشمگین و

آزرده خاطر می شوند.

۵ - فرزندان جرات سؤال کردن در مورد انجام دادن یا انجام ندادن کارها را ، از

والدین خود ندارند.

۶- والدین بر رفتار و کارهای فرزندان خود کنترل شدید دارند و همه تصمیمات را شخصا اتخاذ می کنند.

۷- والدین دلیلی را - برای دستوراتی که صادر می کنند - برای فرزندان خود ارائه نمی دهند و از آنان می خواهند بدون چون و چرا از این دستورات اطاعت کنند.

۸- نسبت به رعایت نظم و انضباط ، ارزشی افراطی قایل هستند و والدین توانایی تحمل هیچ گونه بی نظمی را از طرف فرزندان خود ندارند.

۹- به سخنان کودکان خود گوش نمی دهند و اگر هم سخنی را بشنوند برای آن است که با آن مخالفتی را نشان دهند.

۱۰- در مواردی که فرزندان خود را نصیحت یا آنان را از انجام دادن کاری منع می کنند ، دلیل خاصی را ارائه نمی دهند.

۱۱- برای تصمیمات فرزندان خود ، حتی اگر این تصمیمات معقول و مستند باشد ،

احترام قائل نیستند.

۱۳- معتقدند که چون سن ، تجربه و دانش آنان بیشتر از فرزندانشان است ، بنابراین

، حق دخالت در همه امور و حتی در خصوصی ترین کارهای فرزندان خود را دارند.

۱۴- برخورد آنان با فرزندان خود احترام آمیز نیست و حتی از تحقیر فرزندان خود

در حضور دیگران نیز ابایی ندارند.

۱۵- غالباً نیازهای عاطفی کودکان ارضاء نمی شود.

۱۶- ممکن است که والد ضعیف در چنین خانواده ای با کودکان ائتلاف کند در

چنین حالتی ارزش هر دو والد نزد کودک شکسته می شود . اگر بنا باشد یکی از

والدین به عنوان منبع قدرت خانواده آسیب ببیند می توان تصور کرد والد دیگر نیز

ارزش پیشین خود را نخواهد داشت.

۱۷- چنین کودکانی احتمالاً جذب گروه های بیرون شده و با عزت نفس پائین که

دارند دچار بزهکاری می شوند.

۱۸- بسیاری از این والدین ممکن است به خاطر کمال گرایی که دارند ، کودکان را

تحت فشار قرار دهند و از آنها بالاترین انتظارات را داشته و پیوسته به شکل نوین بر

آنها سخت گیری کرده و برنامه های سخت گیرانه برایشان تدارک ببینند.

۱۹- احتمال دروغ گویی و ریا کاری در کودکان چنین خانواده هایی به علت ترس از

تنبيه و سرزنش افزایش می یابد.

۲۰- چنین کودکانی به علت اینکه مرتباً علایقشان سرکوب شده و موجب تحقیر قرار

گرفته اند و همچنین دیگران برای اموراتشان تصمیم گرفته اند ، از خلاقیت کمی

برخوردارند . اگر چه ممکن است به علت سخت گیری والدین از نظر آموزش بعضی از

مهارتها ، پیشرفتی کرده باشند.

۲۱- اضطراب ، افسردگی ، همچنین وسواس و کمال گرایی ، نا امیدی و بسیاری از

مشکلات روانی ممکن است دامنگیر کودکان خانواده های سخت گیر گردد.

۲۲- غالباً والدین سخت گیر ، خود را منطقی نیز تصور می کنند. و برای هر کارشان

دلیل تراشی می کنند. ولی غیر مستقیم به خاطر سختی گیری آنهاست که کودکان

فرمانشان را اجرا می کنند نه منطقشان.

ب (خانواده سهل گیر و آسان گیر

<http://persianblog.com>

۱- پدر و مادر به دنبال نیازهای ارضاء نشده خودشان هستند. دنبال جوانی و

نوجوانی و دل مشغولی های خود هستند.

۲- به امر تربیت و ارضاء نیازهای جسمی و روانی کودک نمی پردازند و چون آسانگیر

هستند ، برای خاموش کردن صدای بیچه ، هر چه کودکشان از آنها می خواهد ، آنها

انجام می دهند . لذا کودک پرتوقع تربیت می شود.

۳- هدفها و انتظارات برایشان روشن نیست و به همین دلیل ، در تربیت فرزندان خود

از روش ، فلسفه یا دیدگاه خاصی پیروی نمی کنند.

۴- هیچ نوع کنترلی بر رفتار فرزندان خود ندارند و آنان را کاملا آزاد می گذارند تا به

هر نحوی که خود مایل هستند ، شیوه های خاص زندگی خود را انتخاب و به کار

گیرند.

۵- هیچ نوع انتظار و توقع خاصی از فرزندان خود ندارند و فرزندان نیز به نوبه خود

می آموزند که والدین نباید از آنان انتظار خاصی را داشته باشند.

۶- نسبت به رفتار فرزندان خود ، حتی در مواردی که مورد آزار و اذیت خود آنان و دیگران قرار می گیرند ، توجه خاص نشان نمی دهند و در این موارد ، بی تفاوت عمل می کنند.

۷- اگر فرزندان خانواده از دستورات آنان اطاعت نکنند ، ناراحت نمی شوند و چنان رفتار می کنند که گویی عدم اطاعت از دستورات والدین امری طبیعی ، عادی و متداول است.

۸- در پاداش دادن - وقتی از فرزندان رفتار پسندیده ای سر می زند - یا تنبیه آنان - در هنگامی که کار خلاف از آنان سر می زند - اهمال می کنند و بی تفاوت هستند (به یاد داشته باشیم که منظور از تنبیه کردن در معنای روانشناختی آن ، محروم کردن فرزند از پاداش است و تنبیه بدنی مورد نظر نمی باشد).

۹- شیوه های رفتاری والدین چنان است که در فرزندان اعتماد لازم را نسبت به آنان ایجاد نمی کند.

۱۰- نسبت به تکالیف و نمرات درسی فرزندان خود توجه نشان نمی دهند و علاقه

ای نیز به همکاری با معلمان و مدیریت مدرسه محل تحصیل آنان ندارند.

۱۱- آنچه را که فرزندان اراده کنند یا بخواهند، برای آنان تهیه می کنند و در این

مورد، سلیقه خاصی را اعمال نمی کنند.

۱۲- هیچ گونه تلاش خاصی را در زمینه استقلال فرزندان خود انجام نمی دهند و

چنانچه یکی از فرزندان شدیداً به آنان وابسته باشد، کار خاصی را در زمینه کاهش

این نوع وابستگی که بعداً برای آنان مشکل ساز خواهد بود، انجام نمی دهند.

۱۳- نظم و ترتیب را در محیط خانواده رعایت نمی کنند و از فرزندان خود نیز انتظار

خاصی در این زمینه ندارند.

۱۴- فرزندان خود را برای انجام هر کاری آزاد می گذارند و حتی در مواردی که

مداخله آنان لازم به نظر می آید، دخالت نمی کنند.

۱۵- این بچه ها چون در زندگی با موانع مواجه نشده است ، لذا وقتی وارد جامعه

می شود به خاطر عدم تجربه کافی ، زود تسلیم میشود و شکننده هست.

ج (خانواده گسسته یا خانواده پریشان

<http://persianblog.com>

در این خانواده ها بعثت اختلاف بین والدین ، معمولا به صورت قهر و آشتی به سر می

برند که تاثیر منفی روی کودکان می گذارد

۲- گاهی کودک به عنوان قاضی در نظر گرفته می شود و گاهی قربانی یکی از

طرفین می گردد

۳- کودک علاوه بر اینکه نیازهای روانی و جسمانیش ارضاء نمی گردد ، بتدریج

الگوهای پرخاشگری را می آموزد . (کودکانی که بدون مقدمه بچه های دیگر را می

زند)

۴- میزان ارزش و احترامی که هر یک از افراد خانواده برای خود قائل هستند ،

ناچیز است

۵- چهره افراد خانواده غالباً عبوس و افراد خانواده معمولاً غمگین ، گرفته ، افسرده و

بی احساس به نظر می آیند

۶- گوش افراد خانواده برای شنیدن خواسته های یکدیگر سنگین است و صدای آنان

یا بلند و خشن و گوشخراش است و یا به اندازه ای آرام و نجوا مانند است که به

سختی قابل شنیدن می باشد

۷- نشانه دوستی و صمیمیت در بین افراد خانواده کم است و در مواردی حتی از

وجود یکدیگر نیز بی اطلاع هستند

۸- شوخی های افراد خانواده با یکدیگر در بیشتر اوقات گزنده ، بیرحمانه و مبتنی بر

قساوت قلب است

۹- بزرگترهای خانواده تا آن میزان سرگرم امر و نهی کردن و دستور دادن به

کوچکتر ها هستند که برای مثال پدر و مادر هرگز نمی فهمند فرزندان آنان دارای چه

ویژگیهای شخصیتی هستند

۱۰- فرزندان خانواده کمتر از وجود پدر و مادر خود به عنوان دو انسان بالغ ،

فهمیده ، باشعور ، اصیل و دوست داشتنی ، بهره مند می شوند

۱۱- پدر و مادر برای احترازو دوری از یکدیگر ، آن چنان خود را مشغول کارهای

خارج از محیط خانواده می کنند که گویی تنها وظیفه آنان کار کردن و تامین

مایحتاج زندگی است

۱۲- افراد خانواده ، احساس تنهایی و بی یاور بودن می کنند و به این باور می رسند

که بیچاره و نگون بخت هستند و در واقع نوعی درماندگی آموخته شده را تجربه می

کنند

۱۳- افراد خانواده غالباً تکانشی عمل می کنند ، عصبی هستند ، احساس گناه و

، احساس می کنند مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند و تقصیر می کنند یا بر عکس

برای جبران این احساس گناه با یکدیگر رفتاری بسیار خشونت آمیز و غیر انسانی نشان

می دهند

۱۴- افراد خانواده برای کنترل امور غیر ممکن ، تلاش فراوان می کنند و هرگز متوجه

نمی شوند که انجام بعضی از خواسته های آنان به وسیله طرف مقابل ، غیر ممکن

است

۱۵ - افراد خانواده گاه گرفتار مشکل کمال طلبی می شوند و در این راه ، هم خود

متحمل فشارهای روانی زیاد می شوند و هم بر افراد دیگر خانواده فشارهای فزاینده

ای را می آورند

۱۶ - افراد خانواده حالت اصطلاحاً نهایت نگری دارند. و در نظر آنان همه پدیده های

عالم در دو حد یک طیف هستند و هر پدیده ، شی ، صفت ، مفهوم یا سفید است یا

سیاه - یا خوب است یا بد - یا زیان آور است یا سودمند - یا دوست داشتنی است یا

لذا هیچ حد واسطی را در نظر نمی گیرند - غیر دوست داشتنی

۱۷ - وابستگی افراد خانواده با یکدیگر نا سالم است و در این موارد یا نسبت به

احساسات ، خواسته ها و نیازهای خود بی توجه هستند یا خود را مرکز و محور عالم

به حساب می آورند و خود خواهی آنان در همه رفتارهایشان تجلی پیدا می کند

۱۸ - افراد خانواده نسبت به هر موضوع یا پدیده ای تعصب بی مورد و شدید نشان

می دهند و این ویژگی باعث می شود از استدلال ، منطق ، و عقل سلیم فاصله بسیار

داشته باشند

۱۹ - افراد خانواده و خاصه فرزندان این خانواده ها با یکدیگر به رقابت ناسالم می

پردازند و موفقیت یکی از آنان در زمینه خاصی (مثل موفقیت شغلی ، خرید یک

ماشین ، خرید یک لباس و ...) موجب رنجش ، نگرانی ، اضطراب و حسادت شدید

فرد یا افراد دیگر خانواده می شود

۲۰ - افراد خانواده مسائل و مشکلات خود را انکار می کنند و به همین دلیل نیز

مشکلات آنان هرگز حل نمی شود و این مشکلات در همه ابعاد رفتاری آنان تجلی

پیدا می کند

۲۱- افراد خانواده در مورد خود و دیگران به داوریهها و قضاوت های نادرست می

پردازند و یکی از اعتیاد های مضر و در عین حال لذت بخش آنان ، غیبت و بدگوئی

از دیگران است

۲۲- دروغگویی در بین اعضای خانواده شایع است و هر یک از افراد خانواده یاد

گرفته اند که برای اجتناب از درگیری و مشاجره های پایان ناپذیر بعدی ، به افراد

دیگر دروغ بگویند

۲۳- به سادگی افراد خانواده به یکدیگر فحش می دهند ، همچنین خشونت های

جسمی نیز رایج است. و نگرش هر یک از افراد خانواده بر این استوار است که طرف

مقابل آنان فردی خود رای ، نفهم ، خود خواه و ... است و بهترین راه برای به زانو در

آوردن او کتک زدن و تحقیر اوست

۲۴ - نگرشهای افراد خانواده در زمینه های مختلف ، تحریف شده است و

باورداشتهایی نظیر - به زن نمی توان اعتماد کرد - همه آدمها بد هستند - هر فرد

به سادگی تبلیغ می شود ... باید فقط به فکر خودش باشد و

۲۵ - فرزندان خانواده میل شدیدی را برای مورد تایید قرار گرفتن به وسیله اولیای

خود نشان می دهند و با از دست دادن هویت خود و نیز بر خلاف میل و خواسته

خویش ، به خواسته های هر چند نادرست پدر و مادر یا بزرگترها تن در می دهند

۲۶ - احساس عدم رضایت از خود یا حالت از خود راضی بودن افراطی در بین افراد

خانواده شایع است و آثار این نوع احساس در همه ابعاد رفتاری آنان مشاهده می شود

۲۷ - احساس تنهایی و بی یار و یاور بودن در بین اعضای خانواده شایع است و در

این راه به بن بست روانی یا غم و اندوه و مزمن و افسردگی می رسند

۲۸ - افراد خانواده از اضطراب دائمی و احساس سردرگمی در رنج هستند و به همین

دلیل، اختلالات شناختی، هیجانی و نیز اختلالات رفتاری در بین این خانواده ها

شایع است

خانواده دمکرات یا د (خانواده سالم

سرزنده و با محبت هستند و همه رفتار و اعمال آنان با نوعی اصالت افراد خانواده ۱ -

است توام

طور آشکار رنج و ناراحتی و نیز احساس همدری خود را نسبت افراد خانواده به ۲ -

خانواده بیان می کنند به افراد دیگر

ریسک (خطر کردن) معقول و سنجیده نمی‌هراسند و می‌دانند افراد خانواده از ۳ -

کردن اشتباهاتی نیز داشته باشند، ولی اشتباهات شخصی که ممکن است با خطر

ای برای شناخت اشکالات شخصی و بنابراین زمینه ای هم می‌تواند خود مقدمه

باشد جهت رشد و کسب تجربه بیشتر

برای یکدیگر ارزش و احترام قایل اند و یکدیگر را دوست دارند و از افراد خانواده ۴ -

خود شادمان هستند این احساس

خانواده با یکدیگر هماهنگ و روان است و با آهنگی پرمایه و روشن با روابط افراد ۵ -

می‌گویند یکدیگر سخن

خانواده سکوت برقرار است، سکوتی است آرامبخش و نه سکوت زمانی که در ۶ -

احتیاط مبتنی بر ترس یا

در خانواده سرو صدا هست، صدای فعالیتی پر معنی است و نه غرشی وقتی ۷ -

برای خفه کردن صدای دیگران رعد آسا و

خانواده می دانند حق آن را خواهند داشت که حرف خود را به هریک از اعضاء ۸ -
و در این زمینه نیازی به سکوت و تحمل فشار حاصل از آن گوش دیگران برسانند
نمی باشد

خانواده هنوز فرصتی برای صحبت کردن پیدا نکرده است ، به اگر یکی از اعضاء ۹ -
است و نه کمی محبت ، کم توجهی یا بی ملاحظه بودن دلیل تنگی وقت بوده

اعضای دیگر خانواده

به راحتی یکدیگر را نوازش می کنند و در آغوش گرفتن اعضاء خانواده ۱۰ -
امری است عادی و توأم با تجربه عشق و محبت خانوادگی فرزندان توسط پدر و مادر

صادقانه با هم صحبت می کنند ، با علاقه به سخنان یکدیگر افراد خانواده ۱۱ -
یکدیگر رو راست و صادق هستند و به راحتی علاقه خود را به گوش می دهند ، با
دهند یکدیگر نشان می

به راحتی و آزادانه با یکدیگر درد دل می کنند و این حق را دارند افراد خانواده ۱۲ -
موضوعی (مثل ناکامیها ، ترسها ، صدمه هایی که دیده اند ، خشم خود که درباره هر
بگویند انتقاد از دیگری ، خوشیها یا کامیابیها) ، با یکدیگر سخن ،

برای کارهای خود برنامه ریزی می کنند و در این راه اگر مشکلی افراد خانواده ۱۳ -
برنامه های از قبل تعیین شده آنان شود ، به سادگی خود را با آن با مزاحم اجرای
دهند و در نتیجه قادر هستند بدون تجربه احساس ترس یا واهمه ، بیشتر تطبیق می
زندگی خود را حل و فصل کنند مشکلات

زندگی آدمی و احساسات بشری، بیش از هر عامل دیگری مورد در خانواده ، ۱۴ -
است توجه و احترام

پدر و مادر خود را مدیر یا رهبر خانواده می دانند و نه رئیس یا در خانواده ، ۱۵ -
و نیز می دانند که در موقعیت های مختلف چگونه به فرزندان خود ارباب خانواده
مرحله یک انسان واقعی بودن نزدیک شوند بیاموزند تا به

در مورد اشتباهات خود (در قضاوت ، رفتار ، بروز هیجانها و ...) اعضای خانواده ۱۶ -

سهولتی با یکدیگر سخن می گویند که در مورد اعمال ، کردار و گفتار به همان

اظهار نظر می کنند صحیح خود

خانواده با آنچه به فرزندان خود می گویند - یا توصیه می کنند - رفتار اولیای ۱۷ -

دارد و در این راه از خود صداقت بسیار نشان می دهند مطابقت کامل

خانواده مانند هر مدیر یا رهبر موفق ، نسبت به زمان حساس پدر و مادر ۱۸ -

می باشند تا از هر فرصت مناسب برای سخن گفتن و تعامل با هستند و مترصد آن

استفاده کنند فرزندان خود ،

افراد خانواده مرتکب اشتباهی شد و نادانسته خسارتی ایجاد نمود ، اگر یکی از ۱۹ -

بزرگترها در کنار او قرار می گیرند تا از او حمایت کنند . این رفتار باعث پدر و مادر و

خواهد شد تا فرزند بی دقت ، بر احساس ترس یا گناه خود فایق آید و از فرصت

بگیرد آموزشی که پدر و مادر برای او فراهم کرده اند ، بیشترین بهره را

می دانند که فرزندانشان عمداً بدی نمی کنند. به همین دلیل ، اولیاء خانواده ۲۰ -

شوند که فرزند آنان در زمینه ای خرابکاری کرده است به این نتیجه می آید اگر متوجه

یا سوء تفاهمی در کار بوده است و یا احساس ارزش فردی و احترام به رسند که

در فرزند آنان کاهش پیدا کرده است و باید برای این مشکل راه حلی را خویشتن ،

کرد پیدا

می دانند هنگامی فرزند آنان برای یادگیری آمادگی بیشتری اولیا خانواده ۲۱ -

با ارزش بدانند و احساس کند که دیگران نیز برای او ارزش خواهد داشت که خود را

قابل هستند

خانواده می دانند که هر چند با شرمنده ساختن کودک و تنبیه بدنی اولیاء ۲۲ -

این توان رفتار آنان را تغییر داد ، اما این آگاهی را نیز دارند که آثار فرزندان می

باشد تنبیه ها بر ذهن آنان باقی می ماند و به سادگی و به سرعت قابل ترمیم نمی

فرزندان خانواده عملی را انجام می دهد که برای تصحیح عمل یا وقتی یکی از ۲۳ -

نظر می آید ، پدر و مادر آموزش فرزند خود را با گوش دادن - حس کار او الزامی به

فهمیدن - و در نظر گرفتن زمان و دوره خاص رشد او ، آغاز می کنند - کردن

خانواده می دانند که در زندگی هر شخص مشکلاتی پیش خواهد پدر و مادر ۲۴ -

مشکلات زندگی امکان ناپذیر می باشد . بنابراین گوش به زنگ آمد و اجتناب از همه

هر مشکل تازه ، راه حلی پیدا کنند و به فرزندانشان خود نیز می آن هستند که برای

در حل مشکلات از خلاقیت و نو آوری بهره بگیرند آموزند تا چگونه

می دانند که تغییر و تحول از ویژگیهای زندگی است ، بنابراین ، اولیای خانواده ۲۵ -

فرزندان آنان به سرعت مراحل مختلف رشد را طی می کنند و هیچگاه می پذیرند که

رشد و تغییر فرزندانشان خود شوند نباید سد راه

خلاصه :

گفته می شود که از هر صد خانواده تنها در صد اندکی (سه یا چهار خانواده) می

دانند که چه باید کرد و به مرحله سلامت و بالندگی قابل توجه رسیده اند. محصول

خانواده های پریشان یا آشفته فرزندان بیمار ، نومید ، افسرده ، بزهکار و ضد اجتماعی

، معتاد و است و اکثریت افراد مبتلا به بیماری های روانی و اختلالات رفتاری ،

الکلیک ، معتاد ، فقیر ، از خود بیگانه ، جانی و ... در خانواده های پریشان رشد پیدا

کرده اند.

می توان ویژگیهای مهم خانواده های پریشان و خانواده سالم را چنین خلاصه کرد.

خانواده آشفته :

۱ - در خانواده ارزش و احترامی که هر فرد برای خود قائل است در حد پائین می

باشد.

۲ - ارتباطها غیر مستقیم ، مبهم و کاملاً نادرست است.

۳ - قواعد و مقررات خانواده ، خشک ، نامردمی ، ناسازگار و همیشگی است.

۴ - پیوند و رابطه با جامعه بسته ، مایوس کننده و یاس آور است و براساس ترس

انجام می گیرد.

خانواده سالم یا بالنده

۱ - سطح ارزش و احترامی که هر فرد برای خود قایل است ، در حد معقول و منطقی

می باشد.

۲ - ارتباطها مستقیم ، واضح ، صریح و مبتنی بر درستکاری است.

۳ - قواعد قابل انعطاف ، انسانی ، منطقی دستخوش تغییر است.

۴ - پیوند با جامعه باز ، سالم و امید بخش می باشد.

امیدوارم خانواده سالمی را داشته باشید . (یا - و) خانواده سالمی را در آینده

تشکیل دهید